

می توان انتخابات را بُرد بدان شرط که بدانیم چگونه؟

تمام شواهد، نه تنها شواهد بلکه سخنرانی‌ها و تدارکاتی که در جریان است نشان می‌دهد، علیرغم نتایج فاجعه بار اقتصادی و سیاسی و فرهنگی که سیاست نظامی - جنگی حاکم طی سه و نیم گذشته به بار آورده، طراحان و هدایت کنندگان این سیاست خیال عقب نشینی ندارند. آنها به قول آیت الله جنتی در نماز جمعه تهران می‌خواهند به هر قیمت شده سکان ریاست جمهوری و قوه مجریه را در دست خود نگهدارند و بقول رهبر جمهوری اسلامی برای ۴ سال دوم ریاست جمهوری احمدی نژاد نیز آماده باشند!

طرح‌های چند جانبه‌ای برای ادامه سیاست جنگی و نظامی کردن هرچه بیشتر فضای سیاسی کشور و خانه نشین ساختن وسیع مردم از یکسو و به پای صندوق رای آوردن هر چه وسیع تر توده مردمی که تحت تاثیر سیمای جمهوری اسلامی قرار دارند و یا وابسته به شبکه‌ها و بنیادهای صدقه و کمک مالی هستند از سوی دیگر در جریان است. آنها که باید خانه نشین شوند، کسانی هستند که می‌خواهند رای آگاهانه بدهند و حاکمیت از عزم رو به افزایش آنها برای ورود به کارزار انتخاباتی بیمناک است و آنانی که روی رای آنها حساب کرده کسانی‌اند که در بی خبری و سرگیجه ناشی از مانورهای حکومت بسر می‌برند. این سرگردانی و بی خبری، هرگز به معنای رضایت آنها از وضع حاکم - بویژه در عرصه اقتصادی- و یا بی تفاوتی آنها نیست، بلکه ناشی از بمباران تبلیغاتی است که برای بی خبرنگداشتن آنها می‌شود. سرعت و افزایش سفرهای استانی احمدی نژاد و سخنرانی‌های بغایت عوامفریبانه‌ای که برای مردم می‌کند، همین هدف را دنبال می‌کند. او درحالی در زنجان علیه باصطلاح شکم گنده‌ها و شکم سیرهای حکومتی سخن گفت و داغ دل مردم را تازه کرد که خود برای بیرون آمدن پیروزمندان از انتخاباتی که در پیش است، سردار میلیارد سپاه "محصولی" را به مجلس معرفی کرده و تازه از گرفتن رای شکننده و حتی مشکوک به تقلب او از مجلس فارغ شده بود. در ادامه همین تلاش برای نگهداشتن فضای نظامی در کشور و رفتن به سوی طرح‌های سازمانی فاشیستی، رهبر جمهوری اسلامی از اجبار نماز حتی در هواپیماها و بنای مساجد در مجتمع‌های مسکونی و مجتمع‌های اداری و جاده‌ها و ایستگاه‌های قطار و اتوبوس‌های میان شهری سخن گفت. و این نیست مگر گسترش شعبه‌های حزب پادگانی در سراسر کشور، چرا که در هر مسجدی که بنا می‌شود، شماری بسیجی و اعضای حزب پادگانی مستقر می‌شوند. این مساجد در کنار دوربین‌هایی که نیروی انتظامی در محلات نصب می‌کند و احتمالاً کنترل آنها به همین مساجد سپرده خواهد شد، ایران را می‌خواهد به شرایط دهه ۱۹۳۰ ایتالیا و آلمان و اسپانیا ببرد. دهه‌ای که از اواخر آن حاکمیت فاشیست‌ها قطعی شد و جنگ دوم جهانی آغاز. حتی این احتمال که همین مساجد و مراکز بسیج را به حوزه رای گیری تبدیل کنند تا به زور و ایجاد رعب و وحشت از مردم رای دلخواه خود را بگیرند نیز منتفی نیست.

در ادامه همین طرح‌ها و با پول بی حساب نفت که در اختیار دولت و نهادهای نظامی است، تلویزیون‌های فارسی زبان امریکا که برخی از آنها از دویی تقویت می‌شوند نیز خود را با نقشه‌ها و طرح‌های حکومت همسو کرده‌اند. آنها نیز همان تبلیغی را آغاز کرده‌اند که شبکه پخش شایعه و تبلیغ در داخل کشور سرگرم آن هستند و این نیست مگر این که "انتخاب احمدی نژاد قطعی است و تصمیم گرفته شده است" و به همین دلیل بیهوده نباید خود را سبک کرد و به میدان آمد. این تبلیغ می‌خواهد همان آرای ۲۰ میلیونی را از صحنه نبرد انتخاباتی خارج نگه دارد که در انتخابات دوره گذشته ریاست جمهوری خارج از گود نشست و راه را برای فاجعه دولت احمدی نژاد هموار کرد. در این میان و برای منفعل نگه داشتن روشنفکران

و دگراندیشان کشور نیز تر چپ روانه تحریم انقلابی را تبلیغ می‌کنند، در عین حال که برای افشار وسیع و متوسط جامعه نیز این تر من درآوردی را به میدان آورده و اتفاقاً تلویزیون‌های خارج از کشور را هم مامور ترویج و تبلیغ آن کرده اند: انتخاب احمدی نژاد کار را یکسره می‌کند. جمهوری اسلامی با وجود او در راس قوه مجریه و ریاست جمهوری سقوط خواهد کرد و اروپا و امریکا هم به این سقوط کمک خواهند کرد. بنابراین "زنده باد احمدی نژاد رئیس جمهوری".

این، آن صحنه ایست که اکنون راست حاکم و نظامی در برابر ملت قرار داده است. آیا این سرنوشت محتوم انتخابات آینده ریاست جمهوری است؟ هر کس بگوید "بله"، ما به همراه همه آنها که به تحولات اجتماعی نگاهی تاریخی دارند می‌گوئیم خیر!

برای مبارزه اجتماعی و تحمیل یک وجب تا یک میدان عقب نشینی به حاکمیت‌هایی که در برابر تحولات محتوم اجتماعی می‌ایستند، آگاهی از این که حکومت‌ها چه نقشه‌هایی برای باقی ماندن بر سر قدرت دارند، شرط لازم هست، اما شرط کافی نیست! یعنی آگاهی ما از ترفندهای حکومت قطعاً لازم است، اما زمانی این آگاهی به کفایت می‌رسد که ما بتوانیم آن را به میان مردم برده و به نیروی مقاومت در برابر آن تبدیل کنیم. بنابراین، امروز دو وظیفه در برابر ما قرار دارد:

۱- کشف سریع ترفندهای حکومت برای حفظ حکومت نظامی و ادامه سیاست جنگی،

۲- افشای آن برای توده مردم و آگاه کردن آنها از نتیجه این سیاست.

این توده مردم به معنای وسیع آن شامل، حداقل بدنه نیروهای نظامی و سپاهی و شماری از فرماندهان آن نیز می‌شود و آنها که امکان رفتن به میان این نیروها و یا امکان تماس با آنها را دارند و یا امکان انتشار نظرانی را در مطبوعات دارند - که روی سخن با این نیروهاست - وظیفه دارند نه تنها این نیرو را برای طراحان و مدافعان سیاست جنگی باقی نگذارند، بلکه آنها را به سوی جبهه مخالف سیاست نظامی جلب کنند. این نیرو باید به توده مردم وصل شود و این کلید رمز عبور از مرحله دشواری است که ایران در آن قرار گرفته است. حتی اگر نتوان در انتخابات آینده در حد یک وجب نیز حاکمیت را به عقب نشینی وادار کرد، در آینده نیز چاره‌ای جز طی کردن این مسیر و این سیاست نخواهد بود. ما یقین داریم که طی سه سال گذشته بخش وسیعی از نیروهای سپاه، ارتش و حتی افشار وسیعی از بسیج نیز حداقل در باورها و تمایلات باطنی خود به توده مردم ناراضی پیوسته‌اند. آنکس که این روزنه رو به رهایی از وضع کنونی را نمی‌بیند، به آن نمی‌اندیشد و طرح و خیزی به طرف آن ندارد، از تاریخ مبارزات سیاسی چیز نیاموخته است. حتی هر نوع طرد سرد این نیرو نیز به سود ارتجاع جنگ طلب حاکم است. سیاستی که در پشت آن منافع اقتصادی خوابیده است و آن نیروی وسیع نظامی و سپاهی که از آن سخن می‌گوئیم سهمی در این سیاست ندارد. بیان این که مخالفت با سیاست نظامی و جنگی و یا مخالفت با سپرده شدن قدرت اداره مملکت به شماری از فرماندهان سپاه هرگز به معنای مخالف با سپاه و حتی بسیج نیست، نه تنها از اعتبار نیروهای فعال در صحنه نمی‌کاهد، بلکه بر آن می‌افزاید.

بدین ترتیب است که کارزار انتخابات آینده ریاست جمهوری، به کارزار مخالفت با سیاست نظامی حاکم پیوند می‌خورد و در صورت تحمیل پذیرش این سیاست به حاکمیت کنونی، آن تدابیری که برای پیروزی در انتخابات آینده اندیشیده‌اند نقش بر آب می‌شود. این امر شدنی است، اما بستگی به حضور آگاهانه مردم دارد و این حضور آگاهانه از فیلتر آگاهی‌آهنائی می‌گذرد که میدانند و دانسته‌های خود را به جامعه منتقل می‌کنند. آگاهی، روشنگری و آگاه سازی و سپس به میدان فراخواندن! اگر چنین امکانی و چنین زمینه‌ای وجود نداشت و حاکمیت کنونی از آن وحشت نداشت، به این همه تدبیر و توطئه از هم اکنون متوسل نمی‌شد

و رهبر جمهوری اسلامی برای خواب و خام کردن مردم برای پیشبرد هدف خود، ورود به
صحنه انتخاباتی را زود هنگام اعلام نمی کرد.

راه توده ۲۰۲ - ۱۷,۱۱,۲۰۰۸